



فقہ عمران شہری

آیہ اللہ محسن اراکی

جلد اول



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وَالصَّلَاةُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

متن درس خارج

فقه عمران شهری

جلد اول

آیت الله محسن اراکی



فهرست مطالب

درآمد	۷
مطلب اول: تعریف شهر	۹
الف. شهر شرعی	۹
ب. شهر عرفی	۱۷
مطلب دوم: تاریخچه اجمالی پیدایش شهر در منابع اسلامی	۲۷
مطلب سوم: هویت شهر اسلامی	۳۰
فصل اول: کلیات نظام عمران شهری	۳۵
بخش اول: ضرورت تناسب بین قالب شهر با جان و روح شهر	۳۷
بخش دوم: مساحت کلی شهر	۴۰
بخش سوم: محدوده حومه شهر	۴۸
بخش چهارم: مرکز شهر	۵۲
بخش پنجم: مسجد محله و مرکزیت آن برای محله	۵۹
بخش ششم: حدود محله در شهر	۶۱
بخش هفتم: ساختمان های شهری در جهت افقی است نه عمودی	۶۵
بخش هشتم: ضوابط و قواعد راه ها	۹۲
بخش نهم: لزوم رعایت حریم در ابنیه و مساکن	۱۱۱
بخش دهم: عدم مطلوبیت ساختمان بیش از حد نیاز	۱۲۵
بخش یازدهم: مطلوبیت وسعت مسکن	۱۲۹
مفهوم و جایگاه خانه در نظام اسلامی شهری	۱۳۴
وظیفه مدیریت عمران شهری در رابطه با وسعت مسکن	۱۴۱

بخش دوازدهم: لزوم رعایت امنیت در عمران شهری	۱۴۲
بخش سیزدهم: اهمیت فضای سبز در عمران شهری	۱۶۵
بخش چهاردهم: ممنوعیت بیگانه گرایی در عمران شهری	۱۸۷
بخش پانزدهم: نمادها، علائم و اشکال	۱۹۰
بخش شانزدهم: رنگ های برتر	۲۰۰
بخش هفدهم: ضرورت بهره برداری از دام های اهلی در زندگی شهری	۲۲۷
بخش هجدهم: لزوم رعایت نظافت در محیط زندگی شهری	۲۴۴
بخش نوزدهم: مطلوبیت زیبایی در محیط زندگی شهری	۲۵۰
بخش بیستم: اصول کلی کاربری های شهری در فقه اسلامی	۲۵۲
کتابنامه	۲۶۳

درآمد

رابطه انسان با محیط زندگی خویش رابطه‌ای متقابل است، همان‌گونه که انسان بر محیط زندگی خود اثر می‌گذارد و آن را تغییر می‌دهد، محیط زندگی نیز در پرورش روح و جان آدمی، و در رفتار فردی و اجتماعی او اثرگذار است، تا جایی که می‌توان گفت زندگی سعادتمند انسان‌ها در گرو محیط سالم زندگی آنهاست.

در شرایط کنونی که زندگی شهری می‌رود تا سراسر جامعه انسانی را دربرگیرد نظام عمران شهری از ضروری‌ترین مسائل و دغدغه‌های مدیران و مصلحان اجتماعی است، تا جایی که همگی اقرار دارند که یکی از مهم‌ترین نیازهای ضروری زندگی انسان معاصر نظام عمران شهری مناسبی است که بتواند از یک سو پاسخگوی نیازهای مادی انسان‌ها، و از سوی دیگر تأمین‌کننده نیازهای روحی و درونی آنها باشد. نظام عمران شهری خوب می‌تواند در ایجاد آرامش و امنیت و تعالی اخلاقی و روانی انسان‌ها نقش مؤثر و بسزایی ایفا کند. از این رو تلاش صاحب‌نظران برای ارائه طرحی مناسب برای نظام عمران شهری از جمله نیازهای ضروری و مبرم جوامع بشری معاصر است.

نظام عمران شهری مانند سایر نظام‌های زندگی اجتماعی از دو جنبه برخوردار است.

۱. جنبه ساختار ایدئولوژیک برخاسته از جهان‌بینی خاص که به منزله جوهر و محتوای نظام است و طراحان نظام در چهارچوب آن نظام زندگی اجتماعی بشر را طراحی و ارائه می‌کنند.

۲. جنبه فنی نظام که مبنای طراحی قالب‌های فنی و اجرایی نظام قرار گرفته، و شکل و صورت اجرایی نظام را تشکیل می‌دهد.

در نظام عمران شهری اسلامی، فقه اسلامی است که محتوای ایدئولوژیک این نظام را تأمین می‌کند، و دانش فنی مهندسی عمران است که تأمین‌کننده شکل و قالب و صورت اجرایی این نظام است.

در این سلسله مباحث که تحت عنوان فقه نظام شهری ارائه می شود با استعانت از ذات اقدس حق متعال و دست آویختن به ذیل عنایت حضرت ولی عصر علیه السلام که در حقیقت شهریار اصلی شهر اسلامی است، تلاش خواهیم کرد، تا با استفاده از منابع اسلامی اصول و ضوابط عمران شهری را از دیدگاه اسلام تبیین نموده و طرحی از فقه نظام عمران شهری را ارائه کنیم.

پیش از پرداختن به فقه نظام عمران شهری لازم است به عنوان مقدمه به سه مطلب بپردازیم:

مطلب اول: تعریف شهر

ابتدا لازم است تعریف روشنی از واژگان اساسی مباحث فقه نظام عمران شهری ارائه دهیم تا بتوان از اشتباه و خلط مسائل با یکدیگر در خلال بحث، در حد مقدور اجتناب نمود. واژه اساسی و اصلی بحث ما واژه «شهر» است.

بر اساس منابع دینی اسلامی دو نوع شهر وجود دارد:

الف: شهر شرعی؛

ب: شهر عرفی.

احکام فقهی شرع اسلام نیز بر دو دسته‌اند دسته‌ای بر شهر به معنای شرعی آن و دسته‌ای دیگر بر شهر به معنای عرفی آن بار شده است.

لذا برای تبیین احکام فقهی شهر در اسلام لازم است ابتداءً مقصود از شهر شرعی و شهر عرفی، و ملاک شهر شرعی بودن، و نیز شهر عرفی بودن را توضیح دهیم:

الف. شهر شرعی:

از منابع اسلامی استفاده می‌شود، ملاک و ضابطه شهر شرعی سه چیز است:

۱. مردم؛

۲. حاکم (دولت)؛

۳. قانون.

هر جا مردمی باشند و حاکم و دولتی که به جمع آنها وحدت بخشد، و قانونی که روابط بین آن مردم را نظم دهد، شهری شکل می‌گیرد، که بر اساس منابع دینی از ملاک‌ها و ضوابط «شهر شرعی» برخوردار است، و بسیاری از احکام فقهی بر آن مترتب می‌شود.

بنابراین در تعریف شهر شرعی می‌توان گفت: «شهر شرعی؛ یعنی سازمانی متشکل از مجموعه‌ای انسان‌های تابع دولت و حاکمی که بر اساس قانون، روابط بین آنان را نظم می‌بخشد» دلیل بر تعریف مذکور از شهر شرعی کاربری دو واژه تعزب و هجرت در متون دینی بویژه روایات وارده از معصومین علیهم‌السلام است.

اعرابی در لغت عرب به معنای بادیه نشین است، و تعرب به معنای بازگشت به زندگی بادیه نشینی است، ابن منظور در لسان العرب می گوید:

«فَمَنْ نَزَلَ الْبَادِيَةَ، أَوْ جَاوَزَ الْبَادِيَةَ وَظَعَنَ بَطْنَهُمْ، وَانْتَوَى بَأَنْتَوَانِهِمْ؛ فَهِيَ أَعْرَابٌ»

پس آنان که در بادیه مسکن گزینند یا همراه بادیه نشینان زندگی کنند هرگاه کوچ کنند با آنان کوچ کنند و هرگاه جای گیرند با آنان جای گیرند، اعراب به شمار می آیند.

نیز می گوید:

«فِي الْحَدِيثِ: تَمَثَّلَ فِي خُطْبَتِهِ: مُهَاجِرٌ لَيْسَ بِأَعْرَابِيٍّ، جَعَلَ الْمُهَاجِرَ ضِدَّ الْأَعْرَابِيِّ. قَالَ: وَالْأَعْرَابُ سَاكِنُوا الْبَادِيَةَ مِنَ الْعَرَبِ الَّذِينَ لَا يَقِيمُونَ فِي الْأَمْصَارِ، وَلَا يَدْخُلُونَهَا إِلَّا لِحَاجَةٍ»

در حدیث، رسول اکرم ﷺ به این مصرع تمثیل جسته است: «مهاجر است و اعرابی نیست» مهاجر را ضد اعرابی قرار داد، زهری گفت: اعراب ساکنان بادیه اند از آن عرب هایی که در شهرها اقامت نمی کنند، و جز برای حاجتی به شهر نمی آیند.

نیز می گوید:

«وَفِي الْحَدِيثِ: ثَلَاثٌ مِنَ الْكِبَائِرِ، مِنْهَا التَّعَرُّبُ بَعْدَ الْهِجْرَةِ: هُوَ أَنْ يَعُودَ إِلَى الْبَادِيَةِ وَ يُقِيمَ مَعَ الْأَعْرَابِ، بَعْدَ أَنْ كَانَ مُهَاجِرًا. وَكَانَ مَنْ رَجَعَ بَعْدَ الْهِجْرَةِ إِلَى مَوْضِعِهِ مِنْ غَيْرِ عَذْرٍ، يَعُدُّونَهُ كَالْمُرْتَدِّ»؛

و در حدیث است: سه چیز از کبائر است، از جمله: تعرب پس از هجرت که به معنای آن است که به بادیه باز گردد و زندگی با اعراب را برگزیند پس از آنکه مهاجر بوده است، و چنین بوده که کسی که پس از هجرت دوباره به بادیه باز گردد بدون عذر، او را همچون مرتد می شمرده اند.

تعرب در کاربری فقهی به معنای ترک دارالاسلام و زندگی در دارالکفر است.
طریحی در مجمع البحرین می گوید:

«وَفِيهِ - أَيِ الْحَدِيثِ - «لَا تَعْرُبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ» - يَرُوى بِالْعَيْنِ الْمَهْمَلَةِ - يَعْنِي الِاتِّحَاقَ
بِبِلَادِ الْكُفْرِ وَالْإِقَامَةَ بِهَا بَعْدَ الْمَهَاجَرَةِ عَنْهَا إِلَى بِلَادِ الْإِسْلَامِ، وَكَأَنَّ مَنْ رَجَعَ مِنْ
الْهَجْرَةِ إِلَى مَوْضِعِهِ مِنْ غَيْرِ عَذْرِ يَعْدُونَهُ كَالْمُرْتَدِّ»^۱.

در حدیث آمده: تعرب پس از هجرت ممنوع است یعنی پیوستن به بلاد کفر
و زندگی در آن پس از هجرت به بلاد اسلام، و گویا کسی که پس از هجرت به
جایگاه قبلی خویش در بادیه باز گردد او را همچون مرتد به شمار می آورده اند.

فقها دارالاسلام را دارالهجرة می نامند و اعرابی را کسی می دانند که از دارالهجرة
برون رود و زندگی خارج از دارالهجرة که همان دارالاسلام است را برگزیند، بنابراین مراد از
«تَعْرُبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ» از دیدگاه فقهی زندگی در شهر اسلامی؛ یعنی دارالاسلام را رها کردن و
زندگی در خارج از دارالاسلام را برگزیدن است اگرچه زندگی در خارج از دارالاسلام زندگی
شهری به معنای شهر عرفی باشد.

از روایات استفاده می شود ملاک شهر اسلامی شرعی و دارالاسلام بودن ساختمان های
شهری و زندگی شهری به معنای شهر عرفی نیست، بلکه مراد از شهر اسلامی شرعی
پیوستن به جمع کسانی است که حاکمیت دولت اسلامی را پذیرفته و در چهارچوب
قانون و مقررات دولت و حاکم اسلامی زندگی می کنند.

در روایت از امام صادق علیه السلام است که فرمود:

«الْمُتَعَرِّبُ بَعْدَ الْهَجْرَةِ التَّارِكُ لِهَذَا الْأَمْرِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ»^۲؛

متعرب پس از هجرت کسی است که پس از پذیرش ولایت و آگاهی بر آن، از
ولایت اعراض کند.

۱. مجمع البحرین؛ ماده عرب.

۲. وسائل الشیعة؛ ابواب جهاد العدو، باب ۳۶، ح ۳.

و در نهج البلاغه از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت است که در یکی از خطبه هایش فرمود:

«لَا يَقَعُ اسْمُ الْهَجْرَةِ عَلَى أَحَدٍ إِلَّا بِمَعْرِفَةِ الْحُجَّةِ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ عَرَفَهَا وَاقْرَبَهَا فَهُوَ مُهَاجِرٌ»^۱.

کلمه هجرت بر کسی منطبق نمی شود مگر با معرفت حجت، پس آن کس که حجت زمان خویش را بشناسد و اقرار بدان کند مهاجر است.

و نیز در خطبه ای دیگر خطاب به جمعی از مردم فرمود:

«وَأَعْلَمُوا إِنَّكُمْ قَدْ نَفَضْتُمْ أَيْدِيَكُمْ مِنْ حَبْلِ الطَّاعَةِ وَتَلَمَّثُمْ حِصْنَ اللَّهِ الْمَضْرُوبَ عَلَيْكُمْ بِأَحْكَامِ الْجَاهِلِيَّةِ، وَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ اِمْتَنَّ عَلَى جَمَاعَةٍ هَذِهِ الْأُمَّةِ فِيمَا عَقَدَ بَيْنَهُمْ مِنْ حَبْلِ هَذِهِ الْأُلْفَةِ الَّتِي يَنْتَقِلُونَ فِي ظِلِّهَا وَيَأْوُونَ إِلَى كَنْفِهَا بِنِعْمَةٍ لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَهَا قِيَمَةً لِأَنَّهَا أَرْحَمُ مِنْ كُلِّ ثَمَنٍ وَأَجَلُّ مِنْ كُلِّ خَطَرٍ وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ صِرْتُمْ بَعْدَ الْهَجْرَةِ أَغْرَابًا وَبَعْدَ الْمَوَالَةِ أَحْزَابًا»^۲.

بدانید که شما از ریسمان طاعت دست کشیده اید و حصار دژ الهی که شما را حراست می کرد را با احکام جاهلیت شکافته و درهم شکسته اید. خداوند سبحان منت نهاد بر جماعت این امت با ایجاد پیوند الفتی در میان آنان که زیر سایه آن با امنیت و آرامش از جایی به جایی می رفتند، و به آغوش گرمش پناه می بردند، به وسیله نعمتی که هیچ مخلوقی ارزش آن را نمی شناسد زیرا از هر بهایی ارزشمندتر و از هر مهمی مهم تر است. و بدانید که شما پس از هجرت اعراب شدید و پس از پیوستن به ولایت پراکنده و دسته دسته شدید.

مؤید این مطلب - که ملاک شهرنشینی اسلامی پیوستن به جمع کسانی است که حاکمیت حاکم الهی و اسلامی را پذیرفته و در چهارچوب قانون و مقررات دولت و حاکم اسلامی زندگی می کنند - روایتی است که فرزند شیخ طوسی در *امالی* به سندش از حماد السمندری نقل می کند:

۱. نهج البلاغه؛ خطبه ۱۸۹.

۲. همان؛ خطبه ۱۹۲.



در شرایط کنونی که زندگی شهری می رود تا سراسر جامعه انسانی را در برگیرد نظام عمران شهری از ضروری ترین مسائل و دغدغه های مدیران و مصلحان اجتماعی است، تا جایی که همگی اقرار دارند که یکی از مهم ترین نیازهای ضروری زندگی انسان معاصر نظام عمران شهری مناسبی است که بتواند از یک سو پاسخگوی نیازهای مادی انسان ها، و از سوی دیگر تامین کننده نیازهای روحی و درونی آنها باشد. نظام عمران شهری خوب می تواند در ایجاد آرامش و امنیت و تعالی اخلاقی و روانی انسانها نقش موثر و بسزایی ایفا کند. در نظام عمران شهری اسلامی، فقه اسلامی است که محتوای ایدئولوژیک این نظام را تامین می کند، و دانش فنی مهندسی عمران است که تامین کننده شکل و قالب و صورت اجرایی این نظام است.

نشر ناب ماندگار



ISBN:978-622-95307-2-6